

آقای بنی‌صدر، اگر پوتین‌هایتان را هنوز از پا درنیاورده‌اید، بندها را کمی شل کنید!

فرامرز سجیم

اخیرا و به دنبال ابلاغ اجرای حکم اعدام دانشجوی کرد، حبیب لطیفی، آقای بنی‌صدر صاحب‌های با رادیو عصر جدید انجام دادند و از دیدگاه خود علت به اعدام محکوم شدن این دانشجوی کرد و همچنین حقوق اقلیتها در حکومت آینده ایران و همبستگی میان "اقوام ایرانی" را برشمردند.

در حالی که افکار عمومی دنیا نگران از اجرای حکم اعدام دانشجوی کرد، حبیب لطیفی است و از روسای دولتها گرفته تا سازمانهای سیاسی و حقوق بشری برای نجات این انسان بیگناه به تکاپو افتاده‌اند، آقای بنی‌صدر به جای اینکه به این کاروان وجدان بشری بپیوندد و سهمی در این امر انسانی ایفا نماید، نگران از آینده ایران و احتمال فروپاشی آن و تمامیت ارضی مملکت است. آقای بنی‌صدر در تمام مصاحبه‌اش حتی یک بار هم نامی از "کرد" و "کردستان" به میان نیاورد. از نظر او علت اعدام حبیب لطیفی تنها دانشجو و جوان بودن اوست، نه کرد بودن او.

آقای بنی‌صدر!

در طول سال شاهد هزاران دستگیری و به زندان افکندن، محروم و اخراج کردن از دانشگاه و یا تبعید دانشجویان بوده‌ایم. اما هنوز ندیده و نشنیده‌ایم جمهوری اسلامی این رژیم هار، مرتجع و فسیل فکر، دانشجویی را تنها و تنها به دلیل دانشجو و جوان بودن اعدام نماید. بر طبق نظریه و تئوری شما میبایست هر روز در ایران صدها دانشجو پایه چوبه‌های دار میرفتند. صدها دانشجوی مبارز غیر کرد در زندانها هستند، به حبسهای طولانی توام با شکنجه و انواع محرومیت‌های داخل زندان مواجه شده‌اند، اما کرد نبودنشان شانس برای رهایی از مرگ برایشان از چنگال خونین رژیم حاکم فراهم کرده است. موسوی و کروبی و خاتمی که در ادبیات حاکمان ایران به سران فتنه معروف گشته‌اند، اگر کرد میبودند، دیر زمانی از تاریخ اجرای حکم اعدامشان سپری شده بود. در کردستان، حتی اگر همان قانون دادرسی کیفری جمهوری اسلامی که جان دهها هزار نفر را ستانده است، همانند تهران و شهرهای فارس و یا شیعه نشین اجرا میشد، میتوان گفت که فرزاد کمانگر و یارانش، احسان فتاحیان و دهها تن دیگر و اکنون حبیب لطیفی به جای اعدام به ده سال زندان، کمتر یا بیشتر محکوم میشدند، اما کرد بودن و کردستانی بودن، این احکام ناعادلانه را تا حد اعدام ارتقا میدهد. در کردستان نه آن دستگاه قضایی نمایشی و فرمایشی رژیم، بلکه نهادهای اطلاعاتی، امنیتی و سرکوبگر هستند که احکام قضایی را صادر میکنند. جایی که به معنای کلمه زندانی سیاسی و عقیدتی وجود دارد کردستان است. اگر زندانی سیاسی در تهران و شهرهای دیگر از اندک حقوق یک زندانی بهره‌مندند، در کردستان این حقوق ناچیز هم تنها به دلیل کرد بودن برای زندانیان سیاسی، یک رویاست. در کردستان زندانی سیاسی را تنها به دلیل کرد بودن، هر روز هزار بار با شکنجه‌های آنچنانی میکشند و اعدام میکنند و جهنمی را که در قرآن شما بدان اشاره شده است برایش فراهم میاورند. بی دلیل نیست که زندانیان سیاسی محکوم به اعدام نظیر حبیب لطیفی، قبل از اجرای حکمشان، خشنود از بیرون آمدن از جهنم جمهوری اسلامی، در بین همبندیهایشان شیرینی پخش میکنند. بیان این حقایق است که

میتواند اقیانوس درد و مظلومیت این ملت ستمدیده را تسکین دهد و روحیه همبستگی را در میان ملل ایرانی تقویت کند، نه فرار از واقعیات و انکار آن.

آقای بنی‌صدر!

تمامیت ارضی ایران از هم فرو خواهد پاشید و ایران عزیز شما تکه پاره خواهد شد، اگر شما و عظمت طلبهای دیگر ایرانی، در افکار سیاسی خود بازبینی نکرده و حقایق را مصرانه نادیده گرفته و یا انکار کنید. سخن گفتن تنها، از حکومت دمکراتیک ایران آینده، شرکت "اقلیتهای قومی" در تصمیمگیریهای کلان کشوری و بودنشان در راس امور، بدون برشمردن سیستمهای مدیریت کشوری که ضامن این حقوق و دمکراسی آینده باشد، کلاه گشادایست که برای ملت کرد فراهم کرده‌اید و بر سر این ملت بیدار و مبارز نخواهد رفت.

آقای بنی‌صدر!

هنوز جای پای پوتین‌هایتان بر خاک کردستان مانده است. برای زدودن آن لازم است پوتینها را از پا دریاورید. اگر هم افکارتان و هراس از تغییر تمامیت ارضی ایران آینده، پوتین‌هایتان را محکم به پایتان فشرده است و توان درآوردنشان را ندارید، وجدان بشری چنین حکم میکند، بندهای آن را کمی شل کنید.